www.sharghdaily.com aparat:tasvirshargh Telegram:SharghDaily youtube:sharghdaily twitter:sharghdaily instagram:sharghdaily1
روزنامه شرق

گزارش خبری

سهم ۷۰درصدی مسکن در سبد هزینه کارگران در سال ۱۴۰۳

موضوع تهیه مسکن کارگری و فعال‌سازی تعاونی‌های مسکن کارگری همواره یکی از موضوعات مطرح‌شده توسط تیم کارفرمایی و تیم دولت در مذاکرات مزدی شورای عالی کار در پایان هر سال بوده است. طرفین کارفرمایی و دولت معمولا با پذیرش پایه منطقی محاسبات تیم کارگری مذاکره‌کننده، موضوع مسکن را یکی از اقلام اصلی سبد هزینه خانوار کارگری دانسته و به نقش آن در افزایش هزینه زندگی کارگران معترف بوده است؛ بنابراین معمولا کارگران کشور همه‌ساله منتظر تحقق وعده‌های مسکنی کارفرمایان و وزارت کار در شورای عالی کار می‌مانند، اما در نهایت تغییر ملموسی در حرکت به این سوی مشاهده نمی‌کنند.

وزارت کار چه کرد؟

از ابتدای سال ۱۴۰۳ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موضوع تهیه مسکن کارگری را که در مواد ۱۳۲ و ۱۴۹ قانون کار به شکل تکلیفی به آن اشاره شده است، از روی دوش معاونت امور تعاون این وزارتخانه برداشته و بر دوش محمد چکشیان (معاون امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کار) گذاشت.

محمد چکشیان نیز در هفته کارگر سال جاری با بیان قول مساعد در زمینه تهیه مسکن کارگری، خبر از ساخت ۶۰ هزار مسکن کارگری داده بود. البته اینکه این مسکن‌ها به کدام کارگران و در چه منطقه و استانی اعطا شده و شرایط آن چگونه بوده و نقش دولت در آن چیست، موضوعاتی باز هستند. معاون اجتماعی وزیر کار همچنین در ادامه سخنان دو ماه قبل خود با اشاره به تکالیف این وزارتخانه گفته بود: وزیر کار چند ماه قبل (در جریان تصویب مزد ۱۴۰۳ در شورای عالی کار) دستور تشکیل قرارگاه مسکن کارگری را صادر کرد که با حضور سازمان‌های تابعه وزارتخانه و دستگاه‌های مختلف و تشکل‌های کارگری و کارفرمایی شکل گرفت؛ ولی ما تمرکز کردیم روی اینکه چند سناریو را طراحی کنیم و برخی از این سناریوها تعاونی‌محور، برخی کارفرمامحور و برخی دیگر روی رفع موانع پیش‌روی کارگران و کارفرمایان است. اشاره محمد چکشیان صحیح بود و صولت مرتضوی (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در کنار شاخص‌ها و آیتم‌های مربوط به افزایش رفاه و بهبود معیشت کارگران، وعده تشکیل قرارگاه مسکن کارگری را داده بود.

قرار بر این بود که کارگران با توجه به اینکه هزینه اولیه ثبت‌نام مسکن ملی را ندارند، با کمک کارفرمایان، تعاونی‌های کارگری و دولت، با هماهنگی دستگاه‌ها از تسهیلاتی برای برخورداری از مسکن بهره‌مند شده و دولت در زمینه تولید مسکن و ارائه به آنان یاری برساند. در این میان، یکی از موضوعات مطرح‌شده به‌عنوان موانع اجرای این برنامه، اختلاف بین جریان کارفرمایی و دولتی درون وزارت کار بود. چکشیان در همین رابطه حدود دو ماه قبل گفت: آمارها حکایت از آن دارد که نزدیک به ۷۰ درصد درآمد کارگران صرف اجاره‌بها و تأمین مسکن می‌شود.

سیدعلیرضا میرغفاری (عضو شورای عالی کار و عضو هیئت‌مدیره کانون انجمن‌های صنفی کارگری) در این رابطه توضیح داد: همه‌ساله وقتی در شورای عالی کار طرف دولتی و کارفرما به موضوع مزد و سبد معیشت کارگران می‌رسند، موضوع مسکن کارگری و وعده آن را مطرح می‌کنند. به نوعی به نظر ما این به ابزاری برای فراموشی ضرورت افزایش مزد برابر قانون بدل شده است. اینکه هر بار موضوع مزد به نقطه حساس خود می‌رسد، صحبت از تأسیس قرارگاه مسکن کارگری شود، مطلوب نیست.

جابه‌جایی دائمی مدیران، عدم هماهنگی و همراهی دستگاه‌ها و فقدان اراده لازم در کارفرمایان و دولت

سیدرحیم میرعبدالله، رئیس شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، درباره ضرورت تأمین مسکن برای کارگران با بیان اینکه مزد جامعه کارگری به‌هیچ‌وجه کفایت خرید یا حتی افزایش میزان ودیعه مسکن مطابق تورم را نمی‌دهد، اظهار کرد: واقعیت این است که به اذعان کارشناسان اقتصادی و برخی دولتی‌ها، دوسوم هزینه‌های کارگران را مسکن تشکیل می‌دهد.

در آیین‌نامه‌های اجرائی قانون کار درباره ماده ۱۳۲ و ۱۴۹ قانون کار که درباره مسکن کارگران است، برخی دستگاه‌ها و نهادها مکلف به همکاری برای کمک به خانه‌دارشدن کارگران شده‌اند. برخی بانک‌ها مثل بانک مسکن و رفاه، وزارت راه و شهرسازی، وزارت کار، تعاونی‌های مسکن، شهرداری‌ها و وزارت صمت همه مکلف هستند که در زمینه تهیه زمین ساخت، تسهیلات وام و حتی مصالح و ملزومات و زیرساخت‌ها با کارگران در تهیه مسکن همراهی لازم را داشته باشند.

وی افزود: متأسفانه دولت‌هایی نیز از روی حسن نیت و حسن نظر تاکنون تلاش‌هایی در این رابطه داشته‌اند، اما سه مانع که شامل جابه‌جایی دائمی مدیران، عدم هماهنگی و همراهی دستگاه‌ها با یکدیگر در این امر و فقدان اراده لازم در کارفرمایان و دولت است، مانع از تحقق این امر بوده و تاکنون باعث ترک فعل در حوزه اجرای قوانین مربوط به مسکن کارگری شده است. هرچند دولت‌ها وعده‌هایی برای اجرای قانون در درون شورای عالی کار و در گفت‌وگوها بدهند، اما به دلیل نبود این سه زیرساخت، کار جلو نمی‌رود.

رئیس شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ادامه داد: متأسفانه در قانون کار، تأکید بر تعاونی مسکن برای کارگاه‌های بزرگ بالای ۵۰۰ نفر پرسنل است و این در حالی است که روند نشان می‌دهد بنگاه‌های بزرگ ما به بنگاه‌های کوچک بدل شده‌اند. این در حالی است که همین بنگاه‌ها و واحدهای بزرگ نیز برای تهیه مسکن سازمانی برای کارگران خود اقدامی نمی‌کنند و این برخلاف قانون کار است. وی با مثال‌زدن از برخی واحدهای بزرگ، به شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اشاره کرد و گفت: در زمان حضور آقای احمدی‌نژاد در شهرداری تهران، طرح خوبی برای خانه‌دارکردن کارگران و رانندگان شرکت در قالب تعاونی شروع شد که تا مدت‌ها نیز ادامه داشت، اما رفته‌رفته در دوره شهرداری آقای حناچی در دهه ۱۳۹۰ متوقف شده و عملا کارگران سرخورده شدند. در این زمینه از شهرداران بعدی نیز کنش خاصی ندیدیم. میرعبدالله در پایان با اشاره به خطرات اجتماعی موضوع زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی گفت: در پایان کار وقتی کارگری خانه نداشته باشد، ممکن است مثل سال‌های قبل از انقلاب در قالب حاشیه‌نشین، ساکنان زورآبادها و حلبی‌آبادنشینی اسکان پیدا کند که از نظر اجتماعی عواقب ناخوشایندی را ایجاد خواهد کرد و دولت‌ها اگر موضوع تشکیل خانواده و فرزندآوری برایشان اهمیت دارد، باید به حال مسکن کارگران تدبیری اندیشه کنند و این چیزی است که ما از دولت آینده نیز طلب می‌کنیم.

کارفرمایان: ما آماده‌ایم، دولت تعلل می‌کند

در این رابطه داوود جوانی، عضو کارفرمایی شورای عالی کار نیز با بیان اینکه تاکنون طرف کارفرمایی در شورای عالی کار تلاش‌های درخور توجهی در زمینه اجرای طرح مسکن کارگری داشته است، گفت: ما در زمینه کمک به تهیه مصالح هیچ مشکلی نداریم و بارها از دولت و وزارت کار خواستیم که در راستای تحقق بندهای مربوط به مسکن کارگران در قانون کار، زمین مناسب مشخص کنند؛ زیرا کارگرانی که قسط مسکن می‌دهند، هم آسایش خاطر از آینده دارند و هم با انگیزه کار کرده و کارگاه‌های نیمه‌متروک فعلی را رها نمی‌کنند و هزینه هر دو طرف بر اثر این سیاست کاهش می‌یابد. وی با اشاره به مشکلات مرتبط با تهیه زمین اظهار کرد: دولت معمولا اراضی دور از واحدهای تولیدی و شهری مثل پرند و پردیس را پیشنهاد می‌دهد. این در حالی است که این اراضی هم از نظر حمل‌ونقل برای کارگران فاقد وسایل نقلیه برای زیست دشوار است و هم از محل کار آنها در شهرک‌های صنعتی دور است. ما به دولت و وزارت کار پیشنهاد اسکان در اراضی نزدیک به شهرک‌های صنعتی را دادیم و تلاش کردیم ملاحظات زیست‌محیطی و آب‌وهوایی دولت را نیز در این زمینه در نظر بگیریم، اما هنوز پیگیری‌ها به سرمنزل مقصود نرسیده و دولت با سرعت کافی در این حوزه عمل نکرده است.

بررسی پدیده آزار جنسی آنلاین از زبان ۲ جامعه‌شناس، یک حقوق‌دان و یک تحلیلگر داده

هوش مصنوعی در تعقیب آزارگران آنلاین

شرق: دنیای آنلاین ادامه همان دنیای واقعی است. با همه خوشی‌ها و تلخی‌هایش. مسئله آزار جنسی در فضای آنلاین هم ادامه طبیعی آن چیزی است که همه آدم‌ها و به‌ویژه زنان در جهان واقعی تجربه می‌کنند؛ البته با پیچیدگی‌ها و ابعادی جدید. استفاده از اینترنت حالا چنان فراگیر شده است که امن‌سازی جهان آنلاین، ضرورت و اهمیتی هم‌اندازه با امن‌کردن خیابان‌های شهر برای حفاظت از افراد در برابر هرگونه آزارگری و ناامنی دارد. اما در فرهنگ پرده‌پوش ایرانی ما صحبت علنی از تجربه آزار جنسی چندان ساده نیست. هرچند ضربه پتک واقعیت دراین‌باره گاهی آن‌قدر سنگین است که با زیر فرش زدنش نمی‌توان آن را پنهان کرد و نادیده‌اش گرفت (کافی است برای کشف ابعاد واقعیت دراین‌باره از زنان پرسید). آزارگری جنسی آنلاین و تبعات مخربش جز با شناختن، حرف‌زدن و افزایش آگاهی درباره آن و وضع قواعد و قوانینی سخت‌گیرانه علیه آن مهار نمی‌شود.

همین ضرورت منجر به آن شد که یکی از برنامه‌های جنبی نمایشگاه الکامپ امسال به صحبت دراین‌باره اختصاص داده شد؛ پنلی در الکام تاکز با موضوع «آزار جنسی آنلاین، تولید محتوا و تأثیر پدیده آزار بر تجربه زنان در فضای مجازی» با حضور نفیسه آزاد جامعه‌شناس به‌عنوان مجری، شیما قوشه حقوق‌دان، شیوا علی‌نقیان جامعه‌شناس و هدی محمودی متخصص دیتا در تیم کاهش مواجهه با رفتار مخرب کاربران در وب‌سایت دیوار. آنچه در ادامه آمده، مشروح نکات مطرح‌شده در این پنل است.

آزارگری بدون توقف

در ابتدای پنل نفیسه آزاد صحبت خود را با این توضیحات آغاز کرد: «به دلیل تغییری که در زندگی ما اتفاق افتاده است و تعامل‌ها و ارتباط‌های زیادی که روی شبکه‌های اینترنتی داریم، پدیده آزار آنلاین پدیده خیلی رو به رشدی است و تأثیراتی جدی روی زندگی آنلاین ما دارد. ما در این پنل می‌خواهیم درباره ماهیت جنسی آنلاین حرف بزنیم، اینکه اساسا آزار آنلاین چطور اتفاق می‌افتد و چه ماهیتی دارد و به چه صورتی تأثیر می‌گذارد. در ادامه نیز درباره این حرف می‌زنیم که چطور می‌شود از آزار آنلاین جلوگیری کرد یا فضای آنلاین را برای زنان، مردان و کودکان امن کرد. اول از خانم دکتر علی‌نقیان شروع می‌کنم. ایشان مدرس دانشگاه و پژوهشگر هستند. از شما می‌خواهم یک رویکرد کلی به ما دهید که اصلا آزار جنس آنلاین چیست، چطور اتفاق می‌افتد و چه ماهیتی دارد؟».

شیوا علی‌نقیان نیز در پاسخ توضیحات خود را این‌طور آغاز کرد و ادامه داد: «قلدری سایبری یا آزار آنلاین اگرچه می‌توانند با هم متفاوت باشند اما فعلا این دو را در یک دسته‌بندی می‌گذاریم، منظورمان از این مفاهیم به زبان ساده آزاری است که از طریق یک ابزار و دستگاه الکترونیکی صورت می‌گیرد و حاوی یک پیام نادرست، ترسناک و غیرواقعی است که به قصد تخریب یا تهدید یا فشارآوردن بر فرد به قصد تهدید یا اعمال زور یا اخاذی‌کردن وارد می‌شود. آزار آنلاین مشخصا چند ویژگی بارز دارد. اولین ویژگی متداول‌بودن آن است؛ یعنی فرد آزارگر ۲۴ ساعت شبانه‌روز و هفت روز هفته به دلیل ماهیت اینترنت می‌تواند به کار خودش ادامه بدهد، بدون توقف. خصوصیت دیگر این آزار، دائمی یا طولانی‌بودن آثار آن است. مثلا عکسی از شما منتشر شود که ماهیت آزاردهنده دارد، این عکس می‌تواند برای سال‌ها در فضای نت باقی بماند. برای اینکه بخواهید آن را حذف کنید یا باید پروسه‌های قانونی خیلی طولانی را طی کنید یا ممکن است در نهایت این کار حتی امکان‌پذیر هم نباشد. این اتفاق در واقع باعث می‌شود بخشی از زندگی شما مانند اشتغال و تحصیل‌تان در دانشگاه، پیداکردن شغل و حتی ازدواج‌تان و همه دیگر ابعاد زندگی‌تان تحت تأثیر قرار گیرد. نکته مهم دیگر اینکه برای بزرگسالان، این آزار آنلاین می‌تواند با مشکل به رسمیت نشناختن هم همراه باشد؛ یعنی آدم‌های اطراف‌تان داستان را با وجود همه تبعات مخربش در ابتدای کار چندان جدی نگیرند یا برای‌شان قابل درک نباشد و نتوانند تجربه سهمگین شما را درک کنند. این مسئله به‌ویژه وقتی تبعات سنگین‌تری دارد که این آزار جنسی درباره کودکان و نوجوانان رخ داده باشد؛ کسانی که زیر ۱۸ سال هستند و از اینترنت استفاده می‌کنند. در این مسیر اینکه والدین و معلمان مدرسه بتوانند به‌درستی و به زبان گفت‌وگو مسئله را تشخیص دهند و برایش راهکاری معقول اتخاذ کنند، پروسه بسیار چالش‌برانگیزی است».

ماهیت جنسیتی آزارهای جنسی

علی‌نقیان در ادامه نیز گفت: «سؤال این است که آیا آزار جنسی همیشه می‌تواند ماهیت جنسیتی هم داشته باشد؟ یعنی آیا نوع آزار برای مردان و زنان، متفاوت است یا نه؟ برخی معتقدند که اینترنت فضایی را فراهم کرده که گروه‌هایی که پیش‌ازاین سهم کمتری از فضاهای عمومی داشته‌اند، حالا می‌توانند به کمک آن خودشان را بیشتر ابراز کنند و ایده‌ها و افکارشان را بیان کنند. ولی درواقع تناقض داستان اینجاست که ادامه همان تبعیض در دنیای واقعی به دنیای آنلاین هم کشیده شده است. و اینجا هم وقتی گروه‌های مورد تبعیض دست به اقدام و بیان ایده‌های خود می‌زنند، مشابه یا حتی بیشتر از فضای بیرون مورد آزار قرار می‌گیرند. نکته دیگر این است که آزارهای آنلاین گاهی از طرف افراد معمولی صورت می‌گیرد، آدم‌هایی عادی که در حال زندگی هستند و گاهی هم آزارگر می‌شوند! ولی گاهی همین آزارها ماهیتی سازمان‌یافته و تشکیلاتی دارد. این اتفاق به‌ویژه بیشتر در جوامعی تجربه می‌شود که حق آزادی بیان چندان در آنها پاس داشته نمی‌شود. فضاهایی که روابط اطلاعاتی در آن مقداری غیردموکراتیک است و گردش آزاد اطلاعات با مشکل روبه‌روست. در چنین مواقعی این اتفاق برای گروه‌هایی می‌افتد که صدای‌شان بلند است ولی جزء گروه‌های اقلیت هستند، مثلا گروه‌هایی از زنان یا به‌ویژه خبرنگاران زن. گزارشی را یونسکو و فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران تهیه کردند که نشان می‌دهد که حدود سه‌چهارم یا ۷۳ درصد از خبرنگاران زن ابراز کرده‌اند خشونت آنلاین را تجربه کرده‌اند. ۲۵ درصد از اینها تهدید به خشونت فیزیکی شده‌اند، ۱۸ درصدشان هم به مرگ یا خشونت جنسی شدید تهدید شده‌اند، ۱۳ درصد گفتند نزدیکان‌شان ازجمله فرزندان یا والدین آنها مورد تهدید قرار گرفتند. جدا از این، یک‌پنجم از کل پاسخ‌دهندگان هم گفته‌اند جدا از این فضای خشونت آنلاین، در فضای واقعی هم این خشونت را تجربه کرده‌اند؛ یعنی آزار آنلاین مقدمه‌ای بوده که به صورت فیزیکی و عریان هم این خشونت را در دنیای واقعی تجربه کنند؛ بنابراین باید گفت که آزار جنسیتی، جدا از اینکه مسئله حاد اجتماعی است، یک مسئله جنسیتی هم هست. به زبان ساده باید گفت فضای آنلاین هنوز برای اینکه زنان در آن بتوانند با احساس امنیت دیدگاه‌ها، مسائل هویتی و چالش‌ها و خواسته‌های خود را بیان کنند، فضای امنی نیست».

دنیای مردسالارانه از واقعیت تا فضای مجازی

این جامعه‌شناس صحبت‌های خود را این‌طور ادامه داد: «در کشور ما این داستان، پیچیدگی‌های دیگری هم دارد. یکی از مهم‌ترین این پیچیدگی‌ها فقدان قوانین حمایتی است که اجازه نمی‌دهد پیگیری مسئله‌ای مانند آزار در آن به صورت درست انجام شود. اغلب زنان در مواقع شروع صحبت درباره تجربه تلخ آزار خود بلافاصله متهم به این می‌شوند که شاید خودتان کاری کرده‌اید، شاید خودتان محتوای نامناسب در آن فضا گذاشتید. این ادامه همان تجربه‌های پدرسالارانه یا مردسالارانه جامعه است که باعث می‌شود دامنه قالب‌ها و استانداردهای مردانه دنیای واقعی به جهان اینترنت هم کشانده شود. نتایج یک پژوهش نشان داده بود، زمانی که مردان احساس می‌کنند قلمرو و تسلط‌شان را در جایی از دست می‌دهند، بلافاصله به تهدید زنان می‌پردازند. حالا ادامه همین نگاه به جهان آنلاین هم کشیده شده است. البته فراموش نکنیم که در زمینه آزار آنلاین در ایران، پژوهش‌های خیلی ناچیزی انجام شده است و ما دراین‌باره داده‌های اندکی داریم. اما طبق پژوهشی که در انگلستان انجام گرفته، اساسا آزار جنسی آنلاین، به‌عنوان یک پدیده زنانه شناخته می‌شود. اینکه آزار جنسی زنانه تلقی می‌شود، نشان می‌دهد که زنان به طرز متفاوتی از مردان، آن را تجربه می‌کنند. اما حتی باوجوداین هم نباید نادیده گرفت که مردان هم این آزار آنلاین را تجربه می‌کنند. فقط تفاوتش این است که زنانی که تجربه اقلیت‌بودن دارند، مثلا به لحاظ گروهی، به لحاظ اقتصادی، به لحاظ دینی، به لحاظ جسمانی مثلا دچار معلولیت هستند. اینها درواقع دو نوع تبعیض را هم‌زمان تجربه می‌کنند. هم به‌عنوان زن مورد تبعیض قرار می‌گیرند و خشونت آنلاین علیه آنها اعمال می‌شود، هم به‌عنوان گروه دیگری که به آن تعلق دارند. تبعیض برآمده از این دیگری‌بودن درواقع به صورت مضاعف به آنها تحمیل می‌شود. حتی نوع آزاری که زنان و مردان در این فضا متحمل می‌شوند، هم ماهیتا با هم متفاوت هستند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد خشونتی که مردان در فضای آنلاین تجربه می‌کنند، بیشتر درباره چیزی است که به آن فکر می‌کنند یا درباره‌اش حرف می‌زنند. ولی خشونت و آزار علیه زنان نه از جنس ایده‌ها و صحبت‌ها بلکه درباره خودشان و جنسیت‌شان است. با پیش‌فرض‌هایی از این جنس که اولا تو که یک زن هستی، تو که به این فضا تعلق نداری، تو که جایت اینجا نیست، تو که لباس مناسب نپوشیده‌ای و... نباید ابراز وجود کنی».

در ادامه، نفیسه آزاد، مدیر پنل، صحبت‌های شیوا علی‌نقیان را به این شکل جمع‌بندی کرد: «بر این اساس، آزار جنسی همان‌طور که در فضای عمومی، مسئله فردی یا اتفاقی نیست، ربطی به این ندارد که آن زن چه پوشیده یا چه کار کرده. آزار جنسی آنلاین یک پدیده ساختاریافته است و کاملا یک روش نظام‌مند و سیستماتیک محسوب شده که علیه زن‌ها اعمال می‌شود و بیشتر از اینکه ربطی به نوع حضورشان در شبکه‌های اجتماعی یا کلا در بستر اینترنت داشته باشد، به زن‌بودن آنها مربوط است».

سکوت و عقب‌ماندگی قوانین

سخنران بعدی پنل، شیما قوشه، وکیل دادگستری بود که در سال‌های اخیر و بعد از جنبش می‌تو، وکالت قربانیان یکی از پرسروصداترین پرونده‌های آزار در ایران را بر عهده گرفته است. مجری پنل برای شروع بحث از او پرسید: «خانم قوشه اگر کسی یا زنی در فضای آنلاین مورد آزار جنسی قرار گیرد، نظام حقوقی و قوانین ما چه می‌گوید و چطور می‌شود از او حمایت کرد؟».

این وکیل دادگستری با اشاره به اینکه درباره این موضوع در کشور ما بسیار کم صحبت شده است، گفت: «جرائم در بستر سایبر، در مجموع موضوع جدیدی است و به همین دلیل در مجموعه قوانین‌مان هم پرداختن به این موضوع نواقص زیادی دارد. تا سال ۸۸ که اساسا قانونی در این حوزه نداشتیم. قانون جرائم رایانه‌ای در تیرماه آن سال در نهایت تصویب و اجرائی شد. سابق بر این، برخی مواد قانون مجازات اسلامی یا برخی قوانین خاص داشتیم که گاهی در این موارد می‌شد به آنها مراجعه کرد. قانون جرائم رایانه‌ای هم خلأهای بسیار زیادی در این حوزه دارد و به همین دلیل همچنان مجبوریم در مواردی که این قانون ساکت است، به عمومات قانون مجازات اسلام رجوع کنیم. به‌عنوان مثال، این قانون تمرکز بیشتری روی جرائم سازمان‌یافته دارد، اما جرائم فردی خیلی مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است. یا خلأ دیگر این قانون کامل‌نبودن و دقیق‌نبودن جزئیات آن است؛ برای مثال، در قانون روی آثار و تصاویر مستهجن یا مبتذل تأکید شده و برای آن مجازاتی در نظر گرفته شده است، اما تعریف دقیق و شفافی از اینکه مستهجن یا مبتذل مشخصا شامل چه مواردی می‌شود، وجود ندارد و با ابهامات زیادی مواجه است. به‌عنوان مثال، مستهجن از نظر قانون‌گذار، تصاویر کاملا برهنه است و مطالب و تصاویر مبتذل، شرایط دیگری دارد. در موردی دیگر، قانون به‌صورت مشخص عنوان کرده اگر فردی به‌صورت سازمان‌یافته عملی مجرمانه را در فضای مجازی انجام دهد، قطعا مجازات سنگین‌تری در انتظار اوست. در این زمینه قسمتی که در پرونده‌های روزمره با آنها مواجه هستم، این ماده قانونی است که اگر فردی دیگری را تهدید به افشای اسرار خانوادگی یا عکس‌های خصوصی و... کند، برای این هم جرم‌انگاری صورت گرفته است. ماده دیگری هم داریم درباره تحریف‌کردن عکس یا فیلم‌های مربوط به دیگری. اما این قوانین با تحولات و پیشرفت‌های تکنولوژیکی که در این زمینه اتفاق افتاده، به‌روزرسانی نشده است».

از خشونت کلامی تا آزار دایرکتی

شیما قوشه در ادامه صحبت‌های خود گفت: «از طرفی این یک واقعیت انکارنشدنی است که اغلب بزه‌دیده‌های این نوع جرائم، زن‌ها و بعد کودکان هستند. در مورد مردها نمی‌گویم اصلا نیست، ولی قطعا میزان بزه‌دیدگی آنها در این جرائم خیلی کمتر از زنان است. درباره خشونت جنسی، می‌خواهم جنسی را دو دسته کنم؛ یک بخش آن کلامی است مانند توهین‌های رکیک و مبتذل و مستهجنی که با توجه به نگاه قانون‌گذار، خیلی مواقع به افراد نسبت داده می‌شود و بخشی هم در مورد ارسال عکس یا فیلم‌های به قول قانون‌گذار مستهجن یا مبتذلی است که بیننده، رضایتی برای دریافت آنها ندارد. اما واقعیت این است که آزار کلامی خیلی بیشتر اتفاق می‌افتد. خیلی مواقع، قسمت آزار کلامی حتی در فضای علنی هم اتفاق می‌افتد. ممکن است در فضای آنلاین، به‌عنوان یک زن کامنتی بگذارید، کسی با شما مخالف باشد و علنی به شما توهین جنسی که مشخصه جنسیتی هم دارد، بکند؛ اما ارسال عکس‌ها و فیلم‌ها معمولا در خفا و در دایرکت و پیام اتفاق می‌افتد. مواردی که بیننده هم برای این موضوع رضایتی ندارد و از قبل هم ممکن است ارتباطی میان آن دو نفر نباشد. بااین‌حال، متأسفانه قانون‌گذار ما در این قسمت خلأ قانونی دارد و این موارد را پیش‌بینی نکرده و برای ارسال فیلم و عکس‌ها و پیام‌های آزاردهنده، به‌صورت ناقص صحبت کرده است. به همین دلیل ما در خیلی جاها مجبور هستیم به عمومات قانون مجازات برگردیم. یا در مورد تهدید، مشخصا فقط تهدید به تجاوز و دزدیدن مسئله آزار جنسی محسوب می‌شود، اما قانون‌گذار در مورد قسمت جرائم رایانه‌ای به این موضوع نپرداخته است. ما مجبوریم اگر چنین موردی داشته باشیم، مراجعه کنیم به قانون مجازات عمومی که در مورد تهدید به معنی عام صحبت کرده است. این قانون در سال ۷۵ تصویب شده است؛ آن زمان فضای آنلاین نبوده و اساسا تهدیدها یا رودررو یا به‌صورت مکتوب بوده است؛ مثلا ممکن است در نهایت با نامه‌نگاری بوده باشد. در این موارد هم همچنان مجبور هستیم به عمومات قانون مجازات اسلامی مراجعه کنیم که هم از نظر نوع و میزان مجازاتی که قانون‌گذار تنظیم و پیش‌بینی کرده، تناسب و سنخیتی با بقیه قانون جرائم رایانه‌ای ندارد، هم اساسا فضای آن متفاوت است. این قسمت‌هایی است که قانون‌گذار جرم‌انگاری کرده است».

بر اساس گفته‌های این وکیل دادگستری، «بحث مهمی که به‌صورت کلی درباره همه جرائم مطرح است، اصطلاحا بحث ثبوتی یا اثباتی ماجراست که اتفاقا در مورد آزار آنلاین، ویژگی مثبتی که می‌تواند وجود داشته باشد، این است که تقریبا مدرکی وجود دارد؛ یعنی اگر کسی به شما توهین کلامی جنسی رودررو کند، ممکن است هیچ مدرکی نداشته باشید، اما در فضای آنلاین، مشخصا این مدارک موجود است. هرچند مسئله فیلترینگ حتی روی همین موضوع هم اثر مخرب خود را گذاشته است و به دلیل فیلتربودن و بی‌ارتباطی با پلتفرم‌های جهانی، اگر در پرونده‌ای نیاز به کار کارشناس وجود داشته باشد، خیلی مواقع کارشناس امکان بازیابی یا دسترسی به آنها را ندارد».

دیوار بدون آزار

سخنران بعدی پنل هدی محمودی، دیتاساینتیست عضو تیم کاهش مواجهه با رفتار مخرب در پلتفرم دیوار بود که مجری پنل از او برای صحبت این‌طور دعوت کرد: «تا اینجای جلسه آزار جنسی آنلاین را تعریف کردیم و درباره بستر قانونی که حاکم بر این موضوع است، حرف زدیم. خانم محمودی شما بگویید در واقعیت و برای پلتفرمی مثل دیوار که میلیون‌ها کاربر دارد و بخش زیادی از آن زنان هستند، چه اتفاقی دارد می‌افتد و تجربه شما چیست؟ شما چه اقدامی برای بهبود فضای پلتفرم‌تان کرده‌اید؟».

هدی محمودی در پاسخ گفت: «دیوار به‌عنوان یکی از پلتفرم‌های محبوب خرید و فروش، مسئولیت خود را نسبت به این موضوع سال‌هاست جدی گرفته و در این زمینه تیم‌های تخصصی را نیز به کار گرفته است. دیوار برای حفظ سلامت پلتفرم و جلب رضایت کاربران، به دنبال کاهش دسترسی آزارگران به خدمات این پلتفرم است و در تلاش است تا جلوی این موضوع را از طریق روش‌های مختلف بگیرد. ما در دیوار تیم امنیت (کاهش مزاحمت یا کاهش مواجهه با رفتار مخرب) را داریم که مشخصا حول همین مسئله یعنی امنیت کاربر شکل گرفته است. در این تیم، به‌طور مرتب در حال تحلیل گزارش کاربرها، ایده‌پردازی و پیاده‌سازی ابزارها و روش‌هایی هستیم تا دیوار برای کاربران به‌خصوص کاربران زن که با مسائل و مشکلات بیشتری سروکار دارند، جای امن‌تری شود».

تبعید به پوشه هرزنامه

به گفته محمودی در دیوار مانند همه پلتفرم‌های آنلاین دیگر داخلی و خارجی، به‌خصوص در دسته‌های مربوط به زنان که مهم‌ترین‌شان کیف و کفش، لباس و بعد از آن دسته‌های آرایشی و زیبایی یا دسته کار و پیشه محسوب می‌شوند، پدیده آزارگری و مزاحمت وجود دارد. بنا بر آمار سال قبل، بیش از ۲۰ درصد مکالمات دسته لباس هدفی جز معامله داشته‌اند و هدف اصلی کاربر، تقاضای آزار و ایجاد مزاحمت بوده است. بر همین اساس نقطه تمرکز کار تیم ما اعمال و پیاده‌سازی اقداماتی بوده است که بتوانیم جلوی این کار را بگیریم تا هم کاربران‌مان را در برابر مواجهه با پیام‌های آزاردهنده محافظت کنیم و هم آزارگران را به روش‌های مؤثر محدود و حتی در صورت لزوم مجازات کنیم. مجازات‌هایی مانند مسدودکردن آنها برای پیشگیری از فعالیت در دیوار. بر همین اساس بخشی از ابزارهای پیاده‌سازی‌شده ما در این زمینه شامل این موارد بوده‌اند: پوشه پیام‌های پنهان‌شده یا هرزنامه (اسپم) که باعث می‌شود پیام‌های نامناسب به‌صورت پیش‌فرض جلوی چشم مخاطب قرار نگیرد، امکان برقراری تماس ناشناس و همچنین فراهم‌سازی و ساده‌کردن امکان مسدودی و گزارش کاربر آزارگر به دیوار.

از پیام امن تا تماس ناشناس

محمودی در ادامه تأکید کرد: بر اساس تجربه ما، بهترین راه‌حل مقابله با آزار، گرفتن فیدبک و بازخورد مستقیم از سمت خود کاربر است؛ یعنی امکان گزارش و مسدودکردن آزارگر توسط کاربر آزاردیده. و درست در همین نقطه خود کاربران دیوار برای شناسایی مزاحمت به کمک ما در دیوار آمده‌اند.

ابزار دیگر ما یعنی تماس امن، این امکان را فراهم می‌کند که طرفین در صورت نیاز به تماس، به جای شماره مستقیم همدیگر، به‌وسیله یک شماره واسطه که از سوی دیوار تأمین شده است با هم مکالمه کنند. مزیت اصلی این روش این است که شماره مستقیم کاربرها به این شکل رد و بدل نمی‌شود و همین موضوع می‌تواند جلوی احتمال ایجاد مزاحمت در پیام‌رسان‌هایی دیگر مانند واتس‌اپ و تلگرام یا از طریق ارسال پیامک را بگیرد. دیگر مزیت این روش هم این است که چون همه مکالمات طرفین ضبط می‌شوند امکان ایجاد مزاحمت یا حتی تمایل به انجام مزاحمت به میزان محسوسی کمتر می‌شود. ما همچنین ترتیبی اتخاذ کرده‌ایم تا افرادی که به دفعات توسط کاربران دیگر به‌عنوان آزارگر مسدود یا بلاک شده‌اند امکان تماس ناشناس را نداشته باشند».

به گفته این عضو تیم، کاهش مواجهه با رفتار مخرب در پلتفرم دیوار، «چت امن» دیوار برای کاربران سمت عرضه در هنگام ثبت آگهی فعال است و به‌صورت پیش‌فرض جلوی نمایش پیام‌های آزاردهنده جنسی و غیراخلاقی، بیمارگونه، درخواست کمک مالی، تبلیغات و هایجک به کاربران را می‌گیرد. ما در دیوار همچنین به‌صورت مداوم همه مکالمات را با استفاده از روش‌های مبتنی بر هوش مصنوعی بررسی می‌کنیم و در صورت تکرار رفتار مزاحم، فرد را به‌عنوان اسپمر شناسایی و از آن به بعد به‌صورت خودکار پیام‌های ارسالی او به پوشه هرزنامه منتقل می‌شوند. در ادامه نیز با دقت بیشتری مکالمات این افراد رصد می‌شود و تنها در صورتی که برای مدت معقولی رفتار سالمی به نسبت دیگر کاربران اتخاذ کند از پوشه اسپم خارج می‌شود و در غیر این صورت همچنان اسپمر و در پوشه هرزنامه باقی می‌ماند. البته این نکته را هم لازم است بگوییم که دیوار به کاربران اجازه می‌دهد خودشان انتخاب کنند که آیا مایل هستند پوشه هرزنامه برای حساب کاربری‌شان فعال باشد یا نه. از نظر ما این روشی دموکراتیک برای محافظت از کاربرانمان است».

هوش مصنوعی در پی آزارگران

محمودی همچنین در ادامه گفت: «در حال حاضر مدل‌های هوش مصنوعی ما برای تشخیص پیام‌های آزارگرانه‌ای همچون ارسال عکس و فیلم مستهجن، مکالماتی حاوی نشانه‌هایی از اختلالات جنسی، سؤالات شخصی و نامربوط به معامله و یا درخواست دوستی، آموزش دیده است و با حساسیتی بالا این موارد را رصد می‌کند. از طرفی ما پیش‌دستی کرده‌ایم و با استفاده از generative AI همیشه در حال شناسایی انواع شیوه‌های جدید و کمتر شناخته‌شده آزارها هستیم تا پیش از تبدیل‌شدن‌شان به موضوعاتی فراگیر، از آنها پیشگیری کنیم. البته ما در دیوار همیشه معتقدیم در کنار اقدامات پیشگیرانه‌ای که ما می‌توانیم انجام بدهیم آگاه‌سازی و افزایش اطلاعات خود کاربران هم می‌تواند آنها را در برابر تجربه‌های ناخوشایند به میزان خوبی حفاظت کند. در همین راستا بخشی از فضای پلتفرم را با عنوان «دیوار بدون مزاحمت» به آگاهی برای مقابله با مزاحمت اختصاص داده‌ایم و به کاربرها درباره روش‌های ایجاد مزاحمت و همچنین راهکارهایی برای برخورد با آزارگران را آموزش می‌دهیم. تجربیات و آمارهای ما نشان می‌دهند که از زمان شروع به کار تیم امنیت (کاهش مواجهه با رفتار مخرب در دیوار) تا الان میزان گزارش‌های آزار، با کاهش چشمگیر بیش از ۵۰ درصدی مواجه شده است و این آمار نشان می‌دهد اقدامات ما برای امن‌تر کردن فضای پلتفرم مثمرثمر بوده است؛ زیرا بخش عمده پیام‌های آزارگرانه به پوشه هرزنامه منتقل می‌شوند و اساسا کاربران با آنها مواجه نمی‌شوند که نیازی به گزارش‌کردنشان احساس کنند.

جالی خالی خط تلفن پشتیبانی از قربانیان آزار آنلاین

در ادامه پنل نیز شیوا علی‌نقیان، جامعه‌شناس، با اشاره به صحبت‌های هدی محمودی گفت: در پژوهشی که در سال ۲۰۱۴ انجام شده بود، گفته بودند کاربرانی که اسم زنانه داشتند، روزانه، صد پیام با محتوای آزار داشته‌اند. درصورتی که برای کاربران مرد، این پیام‌ها روزانه ۳.۵ پیام بوده است. من برای اینکه به‌صورت مشخص از تجربه دیگر کشورها در این زمینه مطلع شوم سراغ تجربه کشور پاکستان در این زمینه رفتم زیرا شرایط پاکستان خیلی نزدیک به شرایط ماست. براساس تجربه کاربران اینترنت در این کشور، باید بپذیریم که برخی اتفاق‌ها فارغ از مناسبات دولتی صورت گرفته است. چون مردم احساس کردند خیلی نمی‌توانند از دولت‌ها توقع داشته باشند که مدافع آنها باشند. آنها پنج راه‌حل را برای غلبه بر این مشکل در نظر گرفتند که یکی از آنها برگزاری کارگاه آموزشی برای زنان کاربر است که در واقع درباره حضور و مخاطراتی که می‌تواند برای آنها داشته باشد صحبت می‌شود. دومین راه‌حل، برگزاری کارگاه امنیت مجازی برای روزنامه‌نگاران است که این خیلی مورد درخواست خود روزنامه‌نگاران هم بوده است. آموزش امنیت برای روزنامه‌نگار، به‌خصوص روزنامه‌نگاران مستقل؛ یعنی زنان روزنامه‌نگاری که به گروه‌های حزبی و... متصل نیستند. خبرنگاران تحقیقی هستند و روی پرونده‌های فساد کار می‌کنند. یکی از کارهای دیگر، تهیه یک دستورالعمل آموزشی است که در مورد امنیت دستگاه‌ها صحبت می‌کند. در واقع درباره بک‌آپ‌گیری آموزش می‌دهد، در مورد اطلاعات، امنیت رمز عبور، ایمن‌سازی حساب‌های کاربری و... نباید فراموش کرد که مالکیت داده‌ها بر احساس امنیت و بیان اطلاعات شما در بزنگاه‌هایی که مورد آزار قرار می‌گیرید بسیار مؤثر است. کارگاه‌های تجربه و آموزش دیجیتال برای مستندسازی این تجربه‌هاست. تجربه دیگری که به‌نظرم خیلی جالب آمد و در پاکستان صورت گرفته است، راه‌اندازی خط تلفن پشتیبانی از قربانیان آزار آنلاین است که این نتیجه نه فقط در این کشور که در دیگر کشورها نیز نتایج خیلی خوبی داشته است؛ از اسکاندیناوی تا آمریکای شمالی و خاور دور. خوبی‌اش این است که اطلاعات تماس‌های برقرارشده با این خط تلفن پشتیبانی محرمانه است و مشاوره‌دهندگان نیز اعضای NGOهای بزرگ حوزه زنان و دیگر فعالان مرتبط هستند. به نظرم این تجربه می‌تواند برای پیاده‌سازی در ایران نیز مفید و مؤثر واقع شود.

مستندات را همیشه جمع کن

در بخش پایانی این پنل نیز نفیسه آزاد؛ مدیر پنل از شیما قوشه به‌عنوان وکیلی که تجربه مرتبط در زمینه رسیدگی به پرونده‌های آزار دارد پرسید؛ در شرایط کنونی اگر کسی مورد آزار جنسی آنلاین قرار گرفت، اگر خواست شکایت کند باید چه‌کار کند؟

قوشه در پاسخ این‌طور توضیح داد: «ما در تهران، یک دادسرای ویژه در مورد آزارهای مرتبط با جرایم رایانه‌ای داریم. در برخی شهرهای دیگر نیز ممکن است شعبه‌های مخصوصی برای این کار داشته باشند. اگر هم نداشته باشد، مانعی نیست. به‌هرحال آن فرد دارای مقام قضائی، اختیار و صلاحیت عام را دارد که به همه جرائم رسیدگی کند؛ اما به‌صورت کلی هر فرد که در معرض چنین تجربه‌ای قرار گرفت در گام اول باید درباره تجربه خود مستندسازی کند. یعنی تمام مدارکی که دارد را فورا جمع‌آوری کند؛ چون ممکن است طرف مقابل، بعدا پیام‌ها را پاک کند یا تغییر دهد، به همین دلیل حتی اینکه مستندات مورد نیاز پرونده در حد اسکرین‌شات نگهداری شوند ضروری است. گاهی ممکن است از صحبت‌های طرف مقابل، بشود تأیید ضمنی گرفت که بله، من این را فرستادم. در اول راه اگر چنین چیزی مستند شود، همین برای رسیدگی کفایت می‌کند. در قانون ما عکس، فیلم، صوت، جزء ادله محسوب نمی‌شود. همچنان دلایل، همان دلایلی است که شارع مقدس گفته است؛ اقرار، شهادت، سوگند و قسم. اما در قانون مجازات اسلامی جدید که از سال ۹۲ به این طرف، تقریبا ۱۱ سال است که اجرایی می‌شود، قسمتی برای علم قاضی در نظر گرفته شده و مشخص کرده است که با علم قاضی می‌توان از طریق کارشناس مرتبط، از طریق نظریه کارشناس یا بقیه شواهد و قرائن حتی عکس و فیلم و صوت را به‌عنوان قرینه یا اماره پذیرفت. ولی این موارد حتی با این پیش‌فرض دلیل محسوب نمی‌شود. دلیل، چیزی است که با ارائه آن، شخص بلافاصله می‌تواند ادعایی را اثبات کند. می‌تواند در کنار ادله یا بقیه قرائنی که ممکن است وجود داشته باشد، منجر به حصول علم قاضی شود. بنابراین با وجود اینکه عکس و فیلم و صوت از نظر حقوقی هنوز دلیل محسوب نمی‌شوند، ولی به‌هرحال داشتنش قطعا می‌تواند به روند پرونده کمک کند. بنابراین حداقل کاری که می‌تواند کند، گرفتن اسکرین‌شات یا اسکرین رکورد از صفحه‌اش است، اگر فرد آزاردیده بتواند این را تهیه کند، خیلی می‌تواند کمک کند. در نهایت وقتی کار به مقام قضائی برسد، ایشان ممکن است کار را به متخصصان پلیس فتا یا کارشناسان رسمی دادگستری ارجاع دهد. به‌هرحال توصیه من این است که همین حق و حقوق نیم‌بند موجود که داریم را جدی بگیریم. چون با همه نواقصی که قانون دارد، به‌هرحال چیزهایی را پیش‌بینی کرده است. اولا به‌عنوان زن و به‌عنوان شهروندان جامعه، ما باید مطالبه کنیم که این مسئله تعمیم پیدا کند و بقیه موارد را هم شامل شود».

شیما قوشه در پایان صحبت خود تأکید کرد که به نظر یکی از دلایلی که باعث می‌شود بخش زیادی از جرایمی که بی‌محابا در حوزه آزارگری آنلاین رخ می‌دهد، پیگیری جدی نشود به این خاطر است که خود فرد خشونتگر تقریبا مطمئن است پیگیری و شکایت از او به‌همین دلایل یا انجام نمی‌شود یا اگر بشود به جایی نمی‌رسد. به‌همین دلیل هرگونه رسیدگی و پیگیری حقوقی مواردی از این دست واجد اهمیت است.

گزارش

اموال دولتی در قشم حراج شد

ایرج اعتمادی
نویسنده و روزنامه‌نگار

در واپسین روزهای دولت سیزدهم، در بی‌سابقه‌ترین حالت ممکن در عرصه حکمرانی مناطق آزاد جهان، کالاهای سرمایه‌ای یک منطقه آزاد در ایران با انتشار فراخوان عمومی به حراج گذاشته شد.

این روزها جزیره قشم با یک نوع شتاب‌زدگی کارگزاران دولت برای واگذاری بی‌رویه اموال دولتی در منطقه آزاد مواجه است که اعتراض کنشگران اجتماعی را برانگیخته است. اگرچه این موضوع در پایان عمر دولت‌های گذشته تا حدودی مسبوق به سابقه است که در استخدام‌ها، هزینه‌کرد و فروش اموال دولتی نمود داشت، این دوره اما ظاهرا با تغییر و تحولات زودهنگام متأثر از اتفاقات غیرمنتظره و ناگهانی که برای رئیس‌جمهور و هیئت دولت رخ داد، حکمرانان دولتی قشم را دچار دستپاچگی کرده است؛ سازمان منطقه آزاد به‌طور ناگهانی اقدام به حراج زمین‌های جزیره کرده که در تمام سال‌های استقرار سازمان منطقه آزاد در قشم بی‌سابقه است. این سازمان در اقدامی غیرمنتظره، اراضی جزیره را قطعه‌بندی کرده و به ارزش هزاران میلیارد تومان بعضا به ثمن بخس با اعلام فراخوان عمومی به حراج گذاشته است. اراضی که می‌تواند در خدمت تولید، افزایش ثروت و توسعه اقتصادی پایدار برای امروز و نسل آینده نقش‌آفرینی کند. این موضوع از چند زاویه شایان بررسی و تحلیل است. نخست اینکه زمین به‌عنوان «کالای سرمایه‌ای» باید در خدمت تولید ثروت و افزایش درآمد عمومی به‌عنوان یکی از اهداف و فلسفه تشکیل مناطق آزاد قرار بگیرد، نه اینکه این «کالای سرمایه‌ای» به جای یک «کالای مصرفی» یکجا فروخته شود و در آینده راه‌های افزایش ثروت به واسطه تولید و صادرات بسته شود. دوم اینکه سابقا فروش زمین در کمیسیون معاملات منطقه آزاد قشم فرایندی ضابطه‌مند را طی می‌کرده، این‌طور که در کمیسیون‌های واگذاری با حضور کارشناسان، مدیران و نمایندگان معتمدان جامعه محلی قشم تصمیم‌گیری می‌شده و پس از آن در پورتال اطلاع‌رسانی سازمان به اطلاع عموم مردم رسانده می‌شده است. این روند مدتی است دیگر رعایت نمی‌شود و تقریبا از اواخر سال ۱۴۰۱ به این طرف، اراضی جزیره با تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف واگذار می‌شود؛ تا جایی که گفته می‌شود بسیاری از اراضی ساحلی غرب جزیره در این روند غیرشفاف واگذار شده است. این عدم شفافیت و دستپاچگی منطقه آزادی‌ها، شائبه‌هایی را در افکار عمومی ایجاد کرده که نیازمند اطلاع‌رسانی صریح و سریع متولیان امر است.

لزوم بازنگری معاملات شتاب‌زده پس از استقرار دولت چهاردهم

همه اینها در حالی است که اخیرا مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور منتخب، در نامه‌ای خطاب به محمد مخبر، سرپرست ریاست‌جمهوری، از وی خواسته بود به دستگاه‌های دولتی و تمامی شرکت‌های تابعه دولت اعلام کند برای هرگونه تغییر در ساختارهای سازمانی، جابه‌جایی نیروی انسانی و نقل‌وانتقال اموال دولتی دست نگه دارند. اراضی قشم جزء اموال دولتی محسوب می‌شود که مشمول این هشدار جدی رئیس‌جمهور منتخب قرار می‌گیرد. لازم است دستگاه‌های مستقل نظارتی ورود کنند و نیز بعد از استقرار دولت چهاردهم، یک بازنگری جدی در این دست معاملات و فروش اموال دولتی در این بازه زمانی صورت بگیرد.

قیاس مع‌الفارق مناطق آزاد ایران با امارات

دوم اینکه وقتی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور منتخب، در مناظره‌های انتخاباتی به خوبی اشاره‌ای به توسعه کشور امارات می‌کند، اگر تنها در بخش مناطق آزاد به این مقایسه ورود کنیم، لازم است این نکته یادآوری شود که در کشوری مثل امارات متحده عربی، درآمد حاصل از صادرات مناطق آزاد بیشتر از نیمی از صادرات غیرنفتی آن کشور را شامل می‌شود، ولی بخش اعظم درآمد مناطق آزاد ایران از راه فروش کالاهای سرمایه‌ای تأمین می‌شود که درست در تقابل با مفهوم توسعه پایدار است. نکته بعد اینکه با ایجاد بسترهای لازم از سوی دولت، جذب سرمایه در مناطق آزاد امارات به سهولت انجام می‌گیرد، ولی مناطق آزاد ما برخلاف اهداف قانون‌گذار و فلسفه تشکیل مناطق آزاد مبنی بر حذف قوانین دست‌وپاگیر سرزمین اصلی، همچنان درگیر موانع قانونی مازاد بر قوانین سرزمین اصلی هستند؛ دستورالعمل‌های پیچیده و خلق‌الساعه، عدم معافیت‌های مالیاتی و... جذابیت‌های سرمایه‌گذاری را از بین برده است. در کشور امارات، انتصاب‌ها بر اساس شایسته‌سالاری و تخصص‌محوری است، نه بر اساس روابط و رانت! چه‌بسا عدم به‌کارگیری متخصصان حوزه‌های مختلف در سطوح مدیریتی ارشد، میانی و کارکنان و کارشناسان متخصص در کشور به‌ویژه در مناطق آزاد، بزرگ‌ترین عامل توسعه‌نیافتگی مناطق آزاد است که این مقوله نیازمند یک بازنگری جدی است.

در امارات و اصولا کشورهای دنیا، وقتی یک منطقه آزاد تشکیل می‌شود، دولت پیشاپیش تمامی زیرساخت‌های لازم را فراهم می‌کند و زمینه‌های ورود سرمایه‌گذاران خارجی و محلی را ایجاد می‌کند؛ اما در کشور ما منطقه آزادی مثل قشم همچون یک حیاط‌خلوت، بی‌ضابطه در اختیار دولتمردان وقت قرار داده می‌شود تا از درآمد حاصل از آن، خرج زیرساخت‌های ابتدایی و بعدا هزینه‌های جاری خود و... کنند؛ این می‌شود که مناطق آزاد ما علاوه بر نبود زیرساخت‌های لازم مطابق با دیگر مناطق آزاد جهان، مضافا با نبود مشوق‌های سرمایه‌گذاری جذاب و نداشتن معافیت‌های مالیاتی، در جذب سرمایه‌گذار با وجود قوانین دست‌وپاگیر ناکام می‌مانند. برای مثال در تمام این سال‌ها منطقه آزاد قشم برای تأمین هزینه‌های جاری خود اقدام به فروش کالاهای سرمایه‌ای کرده و به کمتر موفقیتی در بخش صادرات، تولید ثروت و درآمدزایی‌های مدنظر قانون‌گذار دست یافته است.

طرح مسکن جوانان در قشم ناکام ماند

همه اینها در حالی است که متقاضیان طرح موسوم به مسکن جوانان قشم، علی‌رغم قول‌ها و وعده‌ها، سرشان بی‌کلاه مانده است. نبود زمین مسکونی برای جوانان و مردم قشم سال‌هاست به‌عنوان معضل بزرگی پیش‌روی دولت‌ها رخ نموده است و حال طرحی تحت عنوان مسکن جوانان از این مدیرعامل به آن مدیرعامل دست به دست می‌شود. مسکن جوانان طرحی بود برای خانه‌دارکردن جوانان قشمی که به دلیل گرانی زمین در قشم -در تمام سال‌های عمرشان- قادر به تأمین مسکن نبوده‌اند. پیرو این طرح، قبلا در روستاهای جزیره با همکاری بنیاد مسکن اقدامات خوبی نسبت به واگذاری زمین انجام شده بود، ولی در قشم، شهر عجیب ایران که اراضی آن در گرو ویژه‌خواران است، ابتر مانده است و تنها در حد مانور مدیران عامل از دولت قبل تا امروز اسمی از آن باقی مانده و طرح همچنان روی میز مدیرعامل خاک می‌خورد. همه اینها در کنار خبر ناگهانی حراج زمین‌های قشم، خشم مردم را برانگیخته و در فضای مجازی و محافل اجتماعی، مردم اغراض و اهداف سازمان منطقه آزاد را از این کار واکاوی می‌کنند و بیش از پیش خشم می‌گیرند. مردم می‌پرسند سازمان منطقه آزاد قشم چه برنامه‌ای دارد؟ با درآمد حاصل از فروش این اراضی که سر به میلیاردها هزار تومان می‌کشد -در این بازه زمانی کوتاه- چه می‌خواهد بکند؟!

نکته آخر

نکته آخر اینکه سازمان منطقه آزاد برای فروش این اراضی و انجام تشریفات قانونی -فراخوان عمومی- قطعه‌بندی اراضی را با اعلام مساحت، موقعیت، نوع کاربری و نرخ آن در روزنامه‌ها منتشر کرده است. تجربه نشان داده است وقتی منطقه آزاد اراضی جزیره را برای فروش فراخوان می‌دهد و در بخش‌هایی با عدم استقبال خریدار مواجه می‌شود، حالا به هر دلیل نرخ بالا، نوع کاربری و...، در این صورت با استناد به فراخوان عمومی که در روزنامه‌ها انجام داده، از اختیارات خود می‌داند که به قیمت دلخواه و معمولا با نرخی بسیار پایین‌تر در اختیار افرادی خاص که اغلب نورچشمی‌ها و خودی‌ها هستند، قرار دهد و با توجه به اینکه اعمال تغییر کاربری در اختیار سازمان است، برای این دسته از افراد هرگونه تغییر کاربری نیز به سهولت انجام می‌شود.